



نمره‌ی یازدهم
اسفند ۱۴۰۳ هـ.ش

پند الرعايا

آنقدر جنس گرانست نتوانی بخری
خط فقر رو به فرارست چه توانی بخری
قیمت سکه و ارزاق همه روبه فلک
شیر و ماست، خانه و مسکن نتوانی بخری
بوی خوش را تو دگر بار فراموش نما
آنقدر عطر گرانست نتوانی بخری
دل اگر پر زغم و ناله فراوان داری
دل شاد و لب خندان که توانی بخری
دل بدست آر و مبادا دلی را شکنی
دل چو بشکست دریغا نتوانی بخری

سوز و ساز

نمیدانم که از آندره کدام لاین بگویم؟؟

حقیقتاً زیاد اطلاعی ندارم آن بالاها چه خبر است یا هوا چه طور است یا اصلاً نور آفتاب کفاف روزهای سرد را میدهد یا نه حتی پایانه های مسافربری عمومی در چه حد شلوغ است ..

اما خوب میدانم که این پایین درجه هوا منفی است و اگر ننه سرما کوتاه نمی آمد و به بهار نزدیک نمیشدیم میتوانستیم جزو مرحومین، به علت کاهش دمای بدن و یا دچارین کاهش اکسیژن خون، به هنگام عوض کردن لاین های مترو باشیم....

اما حالا که فکرمیکنم این سطح از فان بودن خیلی هم بد نیست، طبیعتاً من درکی از بالای خط ندارم..

زیر لاین بودیم و بالای لاین هوا جور دیگری بود، آندره همان لایینی بودیم که فکر میکردیم کتلت شدن برای ناهار در قابلمست نه مترو و اتوبوس....

آندرلاین، زیر آسمان شهر بود. و بالای خط آسمان صاف و پر از ابرهای سفید ، زمستان بالای خط برف داشت و زیر خط سوز سرما. انگار در این سرمای زمستان، گرما به زیر دل بالای خطی ها زده بود. در حالی که ما زیرخطی ها از سرما استخوان میترکاندیم و های نفسهایمان دست هایمان را هم گرم نمیکرد....

از آندرلاین اینطور بگویم که نه تنها آندره لاین است بلکه منفی هم هست. منفی و پایین !!!

شاید اگر مثبت بیندیشم میشود گفت منفی در منفی، مثبت!

مثبت از این جهت که گرمای کافی داریم تا خودمان را با سرمای منفی دو درجه گرم کنیم و برق کافی داریم تا در تاریکیه شب های سرد زمستانی خانه هایمان را روشن و دل هایمان را گرم کنیم.

شاید هم آندرلاین اشتباه کشیده شده بود. شاید آندرلاین باید ایستاده بود، ایستاده برای نشان دادن مقاومت، ایستاده برای کم نیاوردن، ایستاده برای عدالت، ایستاده برای یکی بودن آسمانها و ایستاده برای یک خیر دسته جمعی.....

آندرلاین، فریادهایست که در ازدحام مترو گم میشوند و در دود آسمان پراکنده و در سکوت سنگین خاک دفن !

ظاهراً ما از اول آندرلاین بوده ایم .

فال زیر خطی

امروز اتفاق جالب و قابل تأملی در وسیله نقلیه نامعلوم الحال قرن ۲۱ میلادی به نام مترو پیش آمد. پسرک فال فروش سیه چرده‌ای رو کرد به زن جوانی که یک پالتو چرم زرشکی بر تن داشت و صبح علی الطلوع آرایش به غایت غلیظی مهمان صورتش کرده بود. بعد، از سر خوشمزگی پرسید: خاله شما روی خط فقر محسوب می‌شوید؟!

زن با نگاهی غضبناک و غلیظ‌تر از آرایشش به گونه‌ای که بدون هیچ کلامی بگوید برو پی کارت به پسرک چشم غره‌ای سخت بُرنده رفت و فی الواقع فراری‌اش داد.

همهمه‌ای عجیب و غریب گریبان‌گیر مترو شده بود. با خودم فکر کردم که من کجای این خط فرضی قرار دارم؟! شاید دقیقاً روی آن نشسته‌ام. کمی بیشتر فکر کردم و بعد یاد قرض و قوله‌های صاف نشده‌ام افتادم و احساس کردم این خط دقیقاً مرا دو نصف می‌کند یا دقیق تر بگویم نصف اول ماهم روی خط است و نصف آخر ماهم زیر خط. بعد یاد دندان دردی افتادم که یک ماه است بی‌خیال ما نمی‌شود که نمی‌شود و همین روزهاست که یک خرج اساسی گردنمان بیندازد و تتمه حسابمان را هم خالی کند. در ذهنم کمی پایین‌تر آمدم انگاری بشود گفت که خط فرضی دقیقاً بخواهد گردنم را قطع کند.

گوشی‌ام را باز کردم تا کمی به اخبار روز بپردازم و از این فکر و خیال دیوانه کننده در بیایم اما زهی خیال باطل! در سرتیتر خبرها دلار ۹۳ هزار تومانی به جای چشمک خنجر می‌زد. بعد دیدم خط فرضی لاکردار وبال گردنم شده!

به ناچار و با اکراه خودم را کمی زیر خط فقر متصور شدم. اینجا دیگر فاصله آدم تا خط چندان اهمیتی ندارد همه برابرند... پسرک را صدا زدم. خرید فال زیرخطی هم مزه خودش را می‌دهد شاید مثلاً حافظ بگوید همین روزها پول درشتی به دستت می‌رسد و رویای دوباره رفتن روی خط باز در سرم پر و بال بگیرد....



راز بقا

زیر خط فقر، نسخه‌ی آموزشی و تکنولوژیک!

وقتی از فقر حرف می‌زنیم، خیلی‌ها فقط به صفرهای جلوی حقوق فکر می‌کنن، اما حقیقت اینه که فقر ابعاد دیگه‌ای هم داره، ابعادی که شاید جیب آدم رو خالی نکنه، ولی ذهن، آینده و فرصت‌هاش رو از بین می‌بره. یکی از این‌ها فقر تکنولوژی و آموزشیه، که جامعه‌ی ما با شدت هرچه تمام‌تر دچارش شده.

سیستم آموزشی؛ کارخانه تولید ناامیدی!

ما توی کشوری زندگی می‌کنیم که آموزش، بیشتر از اینکه آدم‌ها رو توانمند کنه، اون‌ها رو توی صف بیکاری ردیف می‌کنه! مدرسه‌ها هنوز دارن دانش‌آموزانی رو تحویل جامعه می‌دن که با فرمول‌های مثلثات آشنا هستن، اما بلد نیستن به رزومه‌ی درست و حسابی بنویسن یا به مهارت واقعی برای کسب درآمد داشته باشن. دانشگاه هم که بیشتر شبیه یه سربازخونه‌ست که وظیفه‌ش فقط وقت‌گذرونی و پخش کردن مدرک‌های بی‌اثر بین فارغ‌التحصیل‌هاست.

از طرفی، هر وقت می‌گیم مهارت‌های کاربردی باید توی مدارس و دانشگاه‌ها جای خودشون رو باز کنن، یه عده می‌گن: ”چی از این مهم‌تر که بچه‌ها بدونن کرم ابریشم چه جوری پيله می‌بافه؟!“ البته کرم ابریشم آینده‌ی مالی‌ش تضمینه، اما بچه‌ای که ده سال بعد باید توی بازار کار باشه، چی؟!

فقر تکنولوژی؛ اینترنت داریم، اما نداریم!

دنیا در حال توسعه‌ی هوش مصنوعیه، ولی ما هنوز توی ساخت یک اپلیکیشن ساده گیر می‌کنیم، چون سرورهای خارجی فیلتر هستن و سرورهای داخلی مثل آدم کار نمی‌کنن! یه دانشجو توی کشور دیگه به لطف اینترنت و منابع آموزشی رایگان، یه تخصص یاد می‌گیره و جذب بازار کار جهانی می‌شه، اما دانشجوی ایرانی اول باید با انواع تحریم‌ها، محدودیت‌های اینترنتی و سایت‌های از دسترس خارج شده بجنگه، بعد تازه یادش می‌افته که اینترنت با سرعتی پایین‌تر از اسب چاپار، این وسط هم هست!

در همین اوضاع، سیستم فیلترینگ طوری کار می‌کنه که آدم فکر می‌کنه مسئولان به جای رقابت با تکنولوژی، دارن باهاش قهر می‌کنن! نتیجه؟ فقر دیجیتال، فقر مهارتی و در نهایت، فقر اقتصادی.

تلاش برای نجات مغزها!

توی این شرایط، خیلی از مراکز آموزشی خصوصی، مثل همینجا یعنی مهرابتکار، سعی می‌کنن با دوره‌های مهارتی واقعی، دانشجویها رو به جایی برسونن که حداقل بتونن توی بازار کار یک نفس راحت بکشن. اما مشکل اینجاست که هنوز خیلی‌ها اهمیت این نوع آموزش‌ها رو درک نکردن و فکر می‌کنن یه مدرک دانشگاهی بی‌استفاده، بیشتر از یه مهارت حرفه‌ای ارزش داره!

در حالی که دنیا فهمیده آینده از آن کسانیه که می‌تونن کاری رو انجام بدن، نه کسانی که فقط می‌تونن درباره‌ی انجام اون کار حرف بزنن، ما هنوز توی فرهنگ ”مدرک‌گرایی“ گیر افتادیم.

راه نجات؟ تغییر نگرش!

تا وقتی آموزش‌های ما با نیازهای واقعی جامعه هم‌راستا نشه، تا وقتی اینترنت و تکنولوژی رو دشمن ببینیم به جای فرصت، و تا وقتی خودمون رو از یادگیری مهارت‌های جدید محروم کنیم، این چرخه‌ی فقر ادامه داره. تنها راه نجات اینه که قبول کنیم دنیای امروز، دنیای مهارت‌هاست، نه مدرک‌ها.

پس اگه قراره تغییری ایجاد بشه، باید از همین حالا شروع کنیم. کسانی که منتظرن شرایط بهتر بشه، معمولاً تا آخر عمر در حال انتظار باقی می‌مونن!



خط فرضی

خط فقر دقیقاً همین جاست.

فاصله ای هم با ما ندارد.

زیر آن خوابیدن و از آن عبور کردن به فاصله یک مصوبه است!

به فاصله یک امضای ناقابل!

دنبال نرخ واقعی تورم و بیکاری نگردید چون خط فقر همین جاست!

درست در یک قدمی ما و ما عابری گذران، فقط گذر می‌کنیم و آمارها را نگاه می‌کنیم

اما واقعیت، در زیر همین پل شکل می‌گیرد. خط فقر همین جاست

خط خطی!

مغموم و ناکامش نصیب‌مان شده نمی‌شود گفت...

ما نسل جزغاله این روزگاریم...

در آندرلاین ترین حال و احوال ممکن،

و زیسته در آندرلاین ترین لحظه تاریخ این مرز و بوم!

هیچ آندرلاینی نمی‌تواند میان ما و افسوس فاصله
بیاندازد...

در عوض جهان زیر این برهه از ایران یک آندرلاین با خط
قرمز کشیده و نوشته: غمگین ترین کشور جهان!

برای ما از آزادی که فقط یک میدانش را داریم نمی‌شود
گفت...

برای ما از آبادانی که تنها یک شهر خاک خورده و ویرانش
سهم مان شده نمی‌شود گفت...

برای ما از توسعه که فقط یک وزارتخانه اش را تاسیس
کردیم نمی‌شود گفت...

برای ما از پیشرفت که پله هایش به جای ترقی، اضطرابی اند
نمی‌شود گفت...

برای ما از استقلال و پیروزی که فقط هواداری از دو تیم

هدف بازی:

بازیکن‌ها باید از زیر ”خط فقر“ در حوزه‌های مختلف (اقتصادی، تکنولوژی، فرهنگی، اجتماعی) عبور کنن. اما این کار فقط با قبول کردن چالش‌ها و انجام اون‌ها ممکنه. هر چالش نشون می‌ده که توی زندگی واقعی، پیشرفت نیاز به تلاش و ریسک‌پذیری داره.

شما در این بازی به یک راهبر نیاز دارید که فقط چالش‌ها را او میتواند ببیند و مطرح کند و پس از اجرای چالش توسط بازیکنان رای گیری انجام میدهد. اگر شخص پاسخ دهنده چالش را درست اجرا کند و اعضا قانع شوند لایک ، و اگر قانع نشوند دیس لایک دریافت میکند.

اجزای بازی:

سوالات چالش: چالش‌ها در ۴ دسته‌ی مختلف (اقتصادی، تکنولوژی، فرهنگی، اجتماعی) هستند.

اعداد شانس: هر بازیکن میتواند یک عدد بین ۱ تا ۱۰ انتخاب کند و هر عدد، چالش متفاوتی رو براشون فعال می‌کنه.

توکن‌های امتیاز: درصوتیکه بازیکن چالش رو درست اجرا کنه و از اعضا لایک بگیره به سطح بعدی میره و اگر نتونه به نفر بعدی منتقل میشه.

نحوه‌ی بازی :

۱. انتخاب عدد:

در هر نوبت، بازیکن یک دسته بندی و یک عدد بین ۱ تا ۱۰ انتخاب می‌کنه .

۲. اجرای چالش:

بازیکن باید چالشی که راهبر اعلام میکنه رو انجام بده تا امتیاز بگیره و به سطح بالاتر بره.

۳. قبول یا رد چالش:

• اگر بازیکن چالش رو انجام بده، امتیاز می‌گیره و به مسیر بالاتر می‌ره.

• اگر چالش رو قبول نکنه، توی همون سطح می‌مونه و ممکنه یک امتیاز از دست بده.

۴. برنده شدن:

اولین بازیکنی که با انجام چالش‌های مختلف ۵۰۰ امتیاز بگیره از زیر خط فقر به روی خط میاد و برنده میشه

۵ . قوانین بازی:

• بازی نیاز به حداقل ۲ بازیکن داره و می‌تونه گروهی هم باشه.

• هر بازیکن یک برگه و قلم برای نوشتن چالش‌ها و پاسخ‌ها نیاز داره.

• برای هر چالش، زمانی معین (مثلاً ۳۰ دقیقه) تعیین می‌کنید.

• اگر بازیکن نتونه یا نخواد چالش رو انجام بده، از امتیاز یا فرصت‌های بعدی محروم می‌شه. در این صورت، باید چالش رو دوباره در نوبت بعدی انتخاب کنه یا در همون مرحله بمونه.

• برای جذاب‌تر شدن بازی، می‌تونید مجازات‌های دیگری رو برای بازیکن‌هایی که چالش رو قبول نمی‌کنن، در نظر بگیرید.

• امتیاز انجام هرچالش ۵۰ امتیازه که راهبر مسئول نوشتن امتیازاته و بازیکنان در طی بازی از بین موارد انتخاب نشده صرفاً حق انتخاب دارند (مواردی که انتخاب میشوند سوخت میشود مگر بازیکن آنرا اجرا نکند).

۶. نکات اضافی برای هیجان بیشتر:

• رقابت زمان‌دار: می‌تونید برای هر چالش یه زمان‌سنج بزارید تا فشار بیشتری به بازیکن وارد بشه.

• دسته‌بندی پیشرفته: می‌تونید چالش‌ها رو سخت‌تر کنید یا حتی برای هر دسته امتیازهای متفاوتی تعیین کنید. مثلاً چالش‌های اقتصادی امتیاز بیشتری داشته باشه نسبت به چالش‌های اجتماعی.



چالش‌های تکنولوژی:

۱. باید در ۳ دقیقه یک اپلیکیشن موبایل جدید بسازی و توضیح بدی چطور می‌خواهی آن را به کاربران معرفی کنی.

۲. یک دقیقه وقت داری تا سه فناوری آینده که دنیا رو تغییر می‌دهند معرفی کنی. چرا این‌ها مهم‌اند؟

۳. فرض کن دسترسی به اینترنت نداری. چطور می‌خواهی یک پروژه آنلاین رو به سرانجام برسونی؟

۴. باید برای یک استارت‌آپ که در حوزه هوش مصنوعی کار می‌کنه، یک مدل کسب‌وکار موفق پیشنهاد بدی.

۵. در ۲ دقیقه توضیح بده که چطور با استفاده از اینترنت و منابع رایگان می‌شه مهارت‌های جدید رو یاد گرفت.

۶. فرض کن شما مدیر یک شرکت فناوری هستید که یک محصول جدید در حال عرضه دارید. چگونه به سرعت آن را به بازار معرفی می‌کنید؟

۷. در ۳ دقیقه بگو چطور می‌خواهی از مشکلات امنیتی در فضای آنلاین پیشگیری کنی.

۸. فرض کن به کامپیوتر دسترسی نداری، چطور می‌توانی یک پروژه برنامه‌نویسی رو پیش ببری؟

۹. یک پلتفرم جدید آنلاین ایجاد کن که به کاهش فاصله دیجیتال کمک کند. توضیح بده چطور این کار رو می‌کنی.

۱۰. در یک پروژه نرم‌افزاری، اگر همه چیز به هم بریزد و تیم شما به مشکل بخورد، چطور می‌توانی از این بحران خارج بشوی؟



چالش‌های اقتصادی:

۱. فرض کن هیچ سرمایه‌ای نداری و ۳ روز فرصت داری تا یک کسب‌وکار راه بندازی. در ۳ دقیقه، توضیح بده چطور می‌خواهی شروع کنی.

۲. یک دقیقه برای فروش یک کالای بی‌ارزش (مثل سنگ) ایده بده. چطور می‌خواهی آن را به دیگران بفروشی؟

۳. تصور کن که تمام دارایی‌ات رو از دست دادی، حالا باید برای خودت از نو یک شغل خلق کنی. در ۳ دقیقه توضیح بده چطور این کار رو می‌کنی.

۴. باید به یکی از بازیکن‌ها یک طرح تجاری بدهی که شانس موفقیتش زیر ۵۰ درصد باشه. در عین حال، باید قانعش کنی که این طرح سودآور!

۵. فرض کن که همه‌ی مهارت‌های قبلی‌ات رو فراموش کردی. چطور از نو یک مهارت جدید یاد می‌گیری که در بازار کار قابل استفاده باشه؟

۶. یک ساعت وقت داری تا ۲۰ میلیون تومان از طریق اینترنت درآمد کنی. بگو چطور برنامه‌ریزی می‌کنی!

۷. فرض کن تمام بازار کار در کشور تعطیل شده. چطور می‌خواهی در دنیای دیجیتال خودت رو مطرح کنی؟

۸. برای شروع یک استارت‌آپ با ۵ میلیون تومان، اولویت‌بندی کن چه چیزهایی رو باید خریداری کنی (از جمله ابزار، منابع انسانی، تبلیغات و...).

۹. در یک وضعیت بحرانی که هر چیزی گران شده، چطور می‌خواهی کالاهای معمولی رو ارزانتر به دست مردم برسونی؟

۱۰. فرض کن که در یک کشور با تورم بالا زندگی می‌کنی. چطور پس‌انداز می‌کنی و پولت رو حفظ می‌کنی؟





چالش‌های اجتماعی:

۱. فرض کن توی یک جامعه پر از فساد و بی‌عدالتی زندگی می‌کنی. چطور می‌توانی برای تغییر شرایط قدم برداری؟

۲. باید در ۳ دقیقه یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اجتماعی که باهاش مواجه‌ای رو توضیح بدی و یه راه‌حل عملی برای اون پیشنهاد بدی.

۳. فرض کن یک کودک رو از خیابان جمع کردی و باید او رو در جامعه جای بدی. چطور می‌خواهی بهش کمک کنی که زندگی بهتری داشته باشه؟

۴. در شرایطی که عدالت اجتماعی در خطر، چطور می‌توانی آگاهی جامعه را نسبت به این موضوع افزایش بدی؟

۵. در یک جمع اجتماعی با افرادی که به شدت تبعیض‌گرا هستند، باید ثابت کنی که رفتارهای تبعیض‌آمیز اشتباه است. چطور این کار رو می‌کنی؟

۶. فرض کن در یک جامعه با مشکلات اقتصادی زندگی می‌کنی و مردمت کمک نیاز دارن. چطور می‌خواهی دست این افراد رو بگیری و بهشون کمک کنی؟

۷. باید در ۳ دقیقه به یکی از بازیکن‌ها آموزش بدی که چطور به فردی که به کمک نیاز داره، کمک کنه.

۸. در شرایط بحران اجتماعی، چطور می‌خواهی به مردم امید بدی که از وضعیت بد خارج بشن؟

۹. فرض کن با گروهی از افرادی که به حقوق بشر اعتقادی ندارند روبه‌رو شدی، چطور می‌خواهی اونا رو قانع کنی که باید تغییر کنند؟

۱۰. باید در ۳ دقیقه یک ایده جدید برای بهبود نابرابری‌های اجتماعی در کشور خودت ارائه بدی.



چالش‌های فرهنگی:

۱. باید یک دقیقه بدون استفاده از هیچ‌گونه شوخی یا طنز، مشکلات فرهنگی جامعه‌ات رو توضیح بدی.

۲. فرض کن در یک کشور با فرهنگ کاملاً متفاوت زندگی می‌کنی، چطور می‌توانی به‌طور مؤثر با مردم آنجا ارتباط برقرار کنی؟

۳. باید در ۳ دقیقه یکی از بزرگ‌ترین مشکلات فرهنگی جامعه‌ات رو شناسایی و توضیح بدی، سپس یک راه‌حل عملی برای آن پیشنهاد بده.

۴. چطور می‌توانی در برابر فرهنگ‌های مضر و سطحی در رسانه‌ها ایستادگی کنی و فرهنگ اصیل رو ترویج بدی؟

۵. اگر به‌عنوان یک رهبر فرهنگی انتخاب بشی، اولین اقدام شما در اصلاح فرهنگ جامعه‌ات چی خواهد بود؟

۶. فرض کن تمام رسانه‌های جمعی در اختیار شماست. چطور می‌خواهید محتوای فرهنگی غنی تولید کنید؟

۷. در یک پروژه فرهنگی بزرگ، باید یک استراتژی برای تعامل با نسل جوان طراحی کنی. چطور این کار رو می‌کنی؟

۸. باید در ۳ دقیقه جواب بدی: چرا فرهنگ کتاب‌خوانی در جامعه ما به‌طور جدی کاهش یافته؟

۹. فرض کن توی یک فرهنگ دیگر زندگی می‌کنی که از شما انتظار دارد کارهایی انجام دهید که در فرهنگ خودتون غیرقابل قبول هستند. چطور با این موقعیت برخورد می‌کنی؟

۱۰. فرض کن توی یک کشور با مشکل نابرابری‌های فرهنگی هستی، چطور می‌خواهی فرهنگ همزیستی مسالمت‌آمیز رو ترویج بدی؟



